

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

رساله برای دریافت درجه ی دکترای تخصصی (Ph.D)

رشته ی علوم سیاسی

عنوان:

بررسی انتقادی و آسیب شناسانه ی جریان اصلاح طلبی در ایران

(۸۴-۱۳۷۶)

استاد راهنما :

دکتر مجتبی مقصودی

استادان مشاور:

دکتر محمد توحید فام

دکتر رضا جلالی

پژوهشگر :

مهرنوش راهبر

سال تحصیلی:

تابستان ۱۳۹۱

پیشکش

همه ی ایرانیانی که گاه تلاطمات، دگرگونی ها و حوادث تاریخ سیاسی این مرز و بوم، سرنوشتشان را به نکویی رقم نزده است!

سپاسگزاری

در راه آغاز و پایان این رساله، مرهون مهر بسیاری از اساتید، دوستان و نزدیکان هستم؛ کسانی که اگر همراهی، راهنمایی و یاری آنها نبود، مسیری بسیار دشوارتر پیش روی نگارنده قرار می گرفت. به رسم ادب و قدردانی، ضروری است در این مجال، نخست از مهر و همراهی همیشگی خانواده ی عزیزم بویژه مادرم - **سرکار خانم مریم یوسفی منش** - سپاسگزاری کنم که نه تنها پایان موفق دوران ۲۴ ساله ی تحصیلات رسمی خویش را مدیون ایشان هستم، بلکه هر آنچه در زندگی دارم از آنهاست. همچنین در طول هشت سال تحصیل در مقاطع فوق لیسانس و دکتری، اگر محبت و حمایت همه جانبه و بی چشم داشت دوست و همراه عزیزم **سرکار خانم دکتر زهرا باقرزاده گل مکانی** نبود، چه بسا این مهم به انجام نمی رسید؛ سپس نیز ضروری است از راهنمایی ها و یاری استاد گرامی **جناب آقای دکتر مجتبی مقصودی**، به عنوان استاد راهنما، قدردانی کنم که در دوره ی سه سال کار بر روی این پژوهش، همواره با بردباری و دقت و راهنمایی های ارزشمندشان، موجب روشن شدن مسیر پژوهش و دیدگاه نگارنده شدند. **جناب آقایان دکتر محمد توحیدفام و دکتر رضا جلالی** نیز به عنوان اساتید مشاور، چنان با دلسوزی و مشاوره های ارزشمند علمی، نگارنده را یاری کردند که مهرشان بسیار بیش از وظایف اساتید مشاور بود؛ صمیمانه از ایشان سپاسگزارم. افزون بر این، از مهر و یاری دوستان خوب و اساتید گرامی همچون **جناب آقایان دکتر احمد موثقی، دکتر کاووس سید امامی، دکتر محمود سریع القلم، آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، دکتر علی اکبر امینی، دکتر عبدالرحمن عالم، محمدعلی کدیور، مهدی خاکی فیروز و همسر گرامی شان سرکار خانم لطفی** که بی منت و مهربانانه، هر یک به نوعی در مراحل مختلف انجام این پژوهش یاری ام کردند، از صمیم دل سپاسگزارم؛ مهر ایشان، افزون و پاینده باد.

مهرنوش راهبر

تعه‌دنامه اصالت رساله ی دکتری

اینجان‌ب م‌ه‌رن‌وش راه‌بر دانش آموخته ی مقطع دکتری تخصصی به شماره دانشجویی ۸۶۰۸۰۳۶۹۷۰۰ در رشته ی علوم سیاسی که در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۱۶ از رساله ی خود تحت عنوان بررسی انتقادی و آسیب شناسانه ی جریان اصلاح طلبی در ایران (۸۴-۱۳۷۶) با کسب نمره ی ۱۹ و درجه ی عالی دفاع نموده ام، بدین وسیله متعهد می شوم:

۱- این رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این رساله قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این رساله را داشته باشم، از حوزه ی معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام، هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی

م‌ه‌رن‌وش راه‌بر

تاریخ و امضاء

بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۱۶ دانشجوی دکترای تخصصی مهنوش راهبر از رساله ی خود دفاع نموده و با نمره به حروف نوزده تمام و با درجه ی عالی مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

بسمه تعالی دانشکده علوم سیاسی این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشکده تهیه شده است	
نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱
کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۱۲۸۹۲۰۲۰	
عنوان پایان نامه: بررسی انتقادی و آسیب شناسانه ی جریان اصلاح طلبی در ایران (۸۴-۱۳۷۶)	
نام و نام خانوادگی دانشجو: مهنوش راهبر شماره دانشجویی: ۸۶۰۸۰۳۶۹۷۰۰ رشته تحصیلی: علوم سیاسی	تاریخ شروع پایان نامه: نیمسال دوم ۸۸-۸۹ تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۱/۶/۱۶
استاد راهنما: جناب آقای دکتر مجتبی مقصدی استاد مشاور: جناب آقای دکتر محمد توحید فام و جناب آقای دکتر رضا جلالی	
آدرس و شماره تلفن: خیابان رودکی- کوچه بابازاده - پلاک ۱۸ واحد ۱ ۰۹۱۲-۶۸۹۱۰۸۲	
<p>چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):</p> <p>در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶، گروهی از نخبگان، به تبع نیازها و خواسته های موجود در جامعه ی ایران، با طرح مفاهیمی همچون دموکراسی، جامعه مدنی، آزادی و لزوم مشارکت بیشتر مردم در عرصه های سیاسی و اجتماعی و با قصد انجام اصلاحات در روش ها و رویه های حاکم بر اداره ی کشور (به طور کلی با جهت گیری به سمت دموکراتیزاسیون نظام سیاسی) در قالب ساختار سیاسی موجود، به نحو غیرمنتظره ای اکثریت آراء را کسب کردند. پیروزی این نخبگان که سپس به نام "اصلاح طلبان" شناخته شده و اندیشه ی آنها نیز به "اصلاحات" مشهور شد، نقطه ی مهمی در تاریخ جمهوری اسلامی بود؛ اما تحقق هر چند نسبی شعارهای مطرح شده با چالش مواجه شد و تحولات دوره ی هشت ساله حضور اصلاح طلبان در قدرت سیاسی، ناکامی در اصلاحات و گذار به دموکراسی را نمایان ساخت؛ به نحوی که تحولات مذکور به خشونت فزاینده ی سیاسی- اجتماعی، خروج گسترده ی اصلاح طلبان از دایره ی قدرت و نیز بسته شدن بیش از پیش فضای سیاسی و اجتماعی انجامید. در واقع نخبگانی که به نحوی شگرف قدرت سیاسی را بدست آورده بودند، ظرف هشت سال به تدریج آن را به طور کامل از کف دادند. تأمل در مسأله ی مذکور، هدف اصلی این پژوهش را نقد و بررسی عملکرد جریان اصلاح طلب قرار داده است. پرسش اصلی پژوهش این است که؛ مهمترین چالش ها، ناکارآمدی ها و آسیب های جریان اصلاح طلب در راه دستیابی به اهداف خود، در دوره ی هشت ساله ی دولت اصلاحات (بین سالهای ۱۳۸۴-۱۳۷۶) چه بوده است؟ بر این اساس، تلاش شده است تا با بهره گیری از نظریات گذار به دموکراسی و در چارچوب نظرات نخبه گرایانه ی اودانل و اشمیتز، موضوع مورد پژوهش، تحلیل و تبیین شود. صورتبندی فرضیه ی پژوهش بدین گونه است که؛ جریان اصلاح طلب ۱۳۷۶ برای انجام اصلاحات و گذار به دموکراسی دچار ناکارآمدی هایی بود؛ ناتوانی در مذاکره و اجماع با مخالفان معتدل اصلاحات در نظام سیاسی و به دنبال آن، تعامل نامناسب با بدنه ی اجتماعی و جامعه مدنی، به همراه رادیکالیسم و عدم مرزبندی میان بعد رسمی و غیر رسمی توسط جریان اصلاح طلبی، سبب شد تا توافقی با مخالفان میانه رو و رادیکال اصلاحات صورت نگیرد و گذار به دموکراسی با شکست مواجه شود. این مسائل، مهمترین چالش ها و آسیب های جریان اصلاح طلبی در سالهای ۸۴- ۱۳۷۶ بوده اند. انجام پژوهش با استفاده از روش های تحقیق تحلیل محتوای کیفی و تفسیری (تلفیقی) و روش های گردآوری اسنادی و نیز مستقیم (مصاحبه با شماری از صاحب نظران) صورت گرفته است. بر اساس یافته های پژوهش، اصلاح طلبان نتوانستند انسجام و مشی واقع گرایانه و میانه روی را در میان خود حفظ نموده و تعامل مناسبی با بدنه ی اجتماعی خود و نیز مخالفان اصلاحات برقرار کنند. نخبگان اصلاح طلب، به دنبال ناکامی های سیاسی، به تدریج اعتماد جامعه را از دست داده و دچار افول اجتماعی شدند. مجموعه حوادث رقم خورده در دوران اصلاحات، به خشونت و بی ثباتی سیاسی- اجتماعی نیز انجامید. در نهایت نیز اصلاح طلبان از کلیه ی حوزه های قدرت سیاسی به نحو بسیار گسترده ای خارج شدند و قدرت را به یکی از رادیکال ترین گفتمان های مخالف خویش واگذار کردند.</p>	
نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهشنامه دانشکده مناسب است _ مناسب نیست تاریخ و امضاء	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
بخش نخست: کلیات، مبانی نظری و پیشینه ی تاریخی	
فصل نخست: کلیات	
۵	۱-۱- بیان مسأله.....
۶	۲-۱- اهمیت و نوآوری پژوهش.....
۷	۳-۱- اهداف اجرایی.....
۷	۴-۱- اهداف کاربردی.....
۸	۵-۱- قلمرو پژوهش.....
۸	۶-۱- ادبیات پژوهش.....
۳۸	۷-۱- سؤال اصلی.....
۳۸	۸-۱- سؤالات فرعی.....
۳۸	۹-۱- فرضیه ی اصلی.....
۳۹	۱۰-۱- فرضیه های فرعی.....
۴۰	۱۱-۱- متغیرهای پژوهش.....
۴۰	۱-۱۱-۱- متغیر وابسته.....
۴۰	۲-۱۱-۱- متغیرهای مستقل.....
۴۰	۱۲-۱- تعریف مفاهیم کلیدی.....
۴۰	۱-۱۲-۱- اصلاح، اصلاح طلبی.....
۵۱	۲-۱۲-۱- آسیب شناسی.....
۵۳	۳-۱۲-۱- نخبه و نخبگان.....

۵۶۴-۱۲-۱-اجماع
۵۶۵-۱۲-۱-جریان، جریان سیاسی
۵۹۶-۱۲-۱-بررسی و رویکرد انتقادی
۶۰۷-۱۲-۱-همبستگی ارزشی و ساختاری
۶۲۱۳-۱-روش تحقیق
۶۲۱۴-۱-روش های گردآوری اطلاعات
۶۴۱۵-۱-محدودیت‌های پژوهش
۶۵۱۶-۱-سازماندهی پژوهش

فصل دوم: مبانی نظری

۶۹۲-مطالعات نظری
۷۲۱-۲-نظریه های گذار به دموکراسی
۷۲۱-۱-۲-نظریه های ساختاری ادبیات گذار به دموکراسی (دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)
۷۵۲-۱-۲-نظریه های کنشگرایانه ی گذار به دموکراسی
۷۶۱-۲-۱-۲-دوره ی نخست؛ نظریات نخبه گرا (دهه ی ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰)
۷۷۱-۱-۲-۱-۲-الگوی دینامیک راستو
۸۰۲-۱-۲-۱-۲-گذارهای نامطمئن؛ گیلرمو اودانل و فیلیپ اشمیتر
۸۶۳-۱-۲-۱-۲-صورتبندی نخبگان حاکم و تأثیر آن بر روند گذار به دموکراسی
۹۲۲-۲-۱-۲-دوره ی دوم؛ نظریات تلفیقی یا جامعه محور (دهه ی ۱۹۹۰ و پس از آن)
۹۸۳-۲-۱-۲-مفهوم دموکراسی در نظریات کنشگرایانه ی گذار به دموکراسی
۱۰۰۳-۱-۲-الگوها و اشکال گذار به دموکراسی
۱۰۵۲-۲-گذار به دموکراسی در پرتو برخی دیگر از نظریات سیاسی
۱۱۱۳-۲-چارچوب نظری و تحلیل

۴-۲- مدل تحلیلی پژوهش..... ۱۱۴

فصل سوم: پیشینه ی اصلاح طلبی در ایران

۳- اصلاحات در عصر قاجار..... ۱۱۷

۳-۱- اصلاح طلبی عمل گرایانه در عصر قاجاریه..... ۱۱۸

۳-۱-۱- عباس میرزا؛ نخستین اصلاح گر عصر قاجار..... ۱۲۰

۳-۱-۲- میرزا عیسی - میرزا بزرگ - مشهور به قائم مقام اول..... ۱۲۴

۳-۱-۳- میرزا ابوالقاسم فراهانی (قائم مقام دوم)..... ۱۲۹

۳-۱-۴- میرزا محمدتقی خان فراهانی (امیرکبیر)..... ۱۳۰

۳-۱-۵- میرزا حسین خان قزوینی مشیرالدوله (سپهسالار)..... ۱۳۳

۳-۱-۵-۱- اندیشه ها و اقدامات اصلاحی سپهسالار..... ۱۳۴

۳-۱-۶- میرزا ملکم خان ناظم الدوله..... ۱۳۸

۳-۱-۶-۱- اندیشه سیاسی میرزا ملکم خان..... ۱۳۹

۳-۱-۶-۲- اقدامات میرزا ملکم خان..... ۱۴۲

۳-۲- اصلاحات پس از انقلاب مشروطیت..... ۱۴۲

۳-۲-۱- دوران پهلوی اول (عصر رضا شاه پهلوی)..... ۱۴۳

۳-۲-۱-۱- محمدعلی فروغی (ذکاء الملک)..... ۱۴۷

۳-۲-۱-۲- علی اکبر داور..... ۱۴۹

۳-۲-۲- دوران پهلوی دوم (عصر محمدرضا شاه پهلوی)..... ۱۵۲

۳-۲-۲-۱- محمد مصدق و جنبش ملی نفت..... ۱۵۲

۳-۲-۲-۲- علی امینی..... ۱۵۶

۳-۲-۲-۳- انقلاب سفید محمد رضا شاه..... ۱۵۸

۳-۳- جمهوری اسلامی و اصلاح طلبی..... ۱۶۲

بخش دوم: بررسی جریان و تفکر اصلاحات ۱۳۷۶

فصل چهارم: تفکر یا اندیشه‌ی اصلاحات ۱۳۷۶ و محورهای اساسی آن

- ۱-۴-۱-زمینه‌های شکل‌گیری جریان اصلاح طلبی ۱۳۷۶.....۱۶۷
- ۲-۴-انتخابات هفتمین دوره‌ی ریاست جمهوری و پیروزی سید محمد خاتمی..... ۱۸۴
- ۱-۲-۴-برنامه‌ی انتخاباتی سید محمد خاتمی.....۱۹۰
- ۳-۴-جریان روشنفکری دینی به مثابه مبنای فکری اصلاح طلبی ۱۳۷۶.....۱۹۶
- ۴-۴-اندیشه‌ی اصلاح و مفهوم اصلاحات ۱۳۷۶.....۲۰۳
- ۱-۴-۴-عناصر کلیدی اندیشه‌ی اصلاحات ۱۳۷۶.....۲۱۰
- ۱-۱-۴-۴-توسعه سیاسی.....۲۱۷
- ۲-۱-۴-۴-جامعه مدنی.....۲۲۵
- ۳-۱-۴-۴-آزادی و کثرت‌گرایی.....۲۲۹
- ۴-۱-۴-۴-قانونمندی.....۲۳۳
- ۵-۱-۴-۴-برابری.....۲۳۷

فصل پنجم: ظهور و افول اصلاحات ۱۳۷۶

- ۱-۵-تحولات سیاسی دوره‌ی نخست دولت اصلاح طلب(۱۳۸۰-۱۳۷۶).....۲۴۲
- ۲-۵-تحولات سیاسی دوره‌ی دوم دولت اصلاح طلب(۱۳۸۴-۱۳۸۰).....۲۵۶
- ۳-۵-ناکامی سیاسی و افول اجتماعی جریان اصلاح طلبی.....۲۶۴

فصل ششم: ناکارآمدی‌های عملی جریان اصلاحات ۱۳۷۶

- ۱-۶-تیین و بررسی الگو و مدل اصلاحات ۱۳۷۶ برای گذار به دموکراسی.....۲۷۳
- ۱-۱-۶-مهمترین استراتژی‌های جریان اصلاح طلب.....۲۷۴
- ۱-۱-۱-۶-استراتژی فشار از پایین، چانه زنی از بالا؛ به مثابه مشی کلان اصلاح طلبان.....۲۷۵

۲۷۶ ۲-۱-۱-۶- استراتژی آرامش فعال
۲۷۷ ۳-۱-۱-۶- استراتژی بازدارندگی فعال
۲۷۸ ۴-۱-۱-۶- استراتژی نافرمانی مدنی
۲۷۹ ۵-۱-۱-۶- استراتژی خروج از حاکمیت
۲۸۳ ۲-۱-۶- نگرش غالب در مدل و الگوی نظری- عملی اصلاحات ۱۳۷۶
۲۸۹ ۲-۶- گسیختگی ارزشی و ساختاری میان نخبگان حاکم و وجود منازعه
۲۹۳ ۱-۲-۶- آزادسازی نسبی و محدود برای فعالیت های سیاسی، مدنی، فرهنگی و اجتماعی
۲۹۶ ۳-۶- ناتوانی اصلاح طلبان در مذاکره و اجماع با نخبگان میانه رو نظام سیاسی
۳۰۳ ۱-۳-۶- شکل نگرش نهاد های جامعه مدنی و سازمان یابی نیروهای اجتماعی
 ۲-۳-۶- رادیکالیزه شدن خواسته های جامعه به دلیل عدم سازماندهی و نبود سازوکارهای مناسب
۳۰۹ مدنی
۳۱۵ ۴-۶- تعامل نامناسب اصلاح طلبان با جامعه و نیروهای اجتماعی- مدنی حامی اصلاحات
۳۲۲ ۱-۴-۶- رادیکالیسم و عدم مرزبندی مناسب با نیروهای اجتماعی
۳۴۰ ۵-۶- عدم حصول توافق و پیمان با مخالفان گذار به دموکراسی
۳۴۴ ۱-۵-۶- افزایش اقتدارگرایی به دنبال ناکامی اصلاحات و گذار به دموکراسی

فصل هفتم: نتیجه گیری

۳۴۹ ۱-۷- بحث و نتیجه گیری
۳۶۰ ضمائم
۳۶۳ منابع و مآخذ

فهرست جداول ها

صفحه	عنوان
۴۳	جدول (۱-۱) مقایسه محافظه کاری، اصلاح طلبی و انقلابی گری.....
۴۷	جدول (۲-۱) انواع اصلاحات از لحاظ شیوه ی اعمال آن.....
۴۸	جدول (۳-۱) انواع اصلاحات در باب حوزه و موضوع.....
۴۹	جدول (۴-۱) گروههای عمده ی اصلاح طلبان و گرایشات آنها.....
۷۱	جدول (۱-۲) نظریه های گذار به دموکراسی از حیث عوامل، زمینه ها و شرایط گذار.....
۱۰۱	جدول (۲-۲) معیارهای مطالعه ی الگوهای گذار به دموکراسی.....
۱۰۳	جدول (۳-۲) راههای گذار به دموکراسی با محوریت نخبگان (بالا) و جامعه (پایین).....
۲۰۰	جدول (۱-۴) پارادایم روشنفکری دوره ی بازنگری.....

فهرست نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار (۱-۲) نظرات نخبه گرایانه ی اودانل و اشمیتز در گذار به دموکراسی.....	۸۵
نمودار (۲-۲) مدل بررسی و تحلیل مهمترین چالشها و آسیب های جریان اصلاح طلبی	
.....	۱۱۴
.....	۱۳۷۶

مقدمه

اصلاحات، کلیدواژه‌ی بسیاری از تحولات در جوامع بشری است. انسان‌ها با دارا بودن تفکر، اختیار، اراده و تصمیم، در طول حیات خویش و در هنگام نیاز، به دست به اصلاح امور زندگی خود زده‌اند. احساس نیاز و به دنبال آن، شناخت مسأله و مشکلات، سرآغاز بسیاری از اندیشه‌ورزی‌ها و اقدامات برای پیشرفت و بهسازی بوده است؛ بدین سان اساساً زندگی بشر را با سکون، میانه‌ای نیست؛ لذا همواره شکل‌گیری نیازهای گوناگون، اندیشه‌ی اصلاح، تغییر و پیشرفت را زنده نگه داشته است. در طول تاریخ، عرصه‌های مختلف زندگی انسان، دگرگونی‌ها و تغییرات زیادی را به خود دیده است و حل بحرانها و نابسامانی‌ها نیز مرهون همین تغییرات و بازاندیشی‌هاست. آنچه در این میان اهمیت محوری دارد، بازیگرانی هستند که حامل و عامل انجام تغییرات می‌باشند؛ دانش، تدبیر و برنامه‌ی عمل کارآمد از جمله مهمترین موارد برای موفقیت روند اصلاح در هر زمینه‌ای هستند.

در ایران نیز با وجود سابقه‌ی نسبتاً طولانی اندیشه‌ها و اقدامات اصلاح طلبانه و تحول خواهانه، اصلاحات سیاسی در ساختار نظام جمهوری اسلامی، مسأله‌ای بود که دیگر بار به دنبال کاندیداتوری و پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ مطرح شد و یک جریان سیاسی با گرایش به ایجاد پاره‌ای تغییرات، قدرت سیاسی یافت؛ این جریان، در طول هشت سال حضور در قدرت، بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تأثیر بسیاری نهاد.

احیای آرمان‌های انقلاب اسلامی و حرکت در جهت مردم‌سالاری، قانون‌گرایی، آزادی، جامعه‌ی مدنی و تساهل و مدارا، از جمله مهمترین اهداف مطرح شده توسط جریان اصلاح طلب بود و علاوه بر آن، حمایت گسترده‌ی بخش مهمی از جامعه‌ی ایران از اهداف و اندیشه‌ی اصلاحات، بعد اجتماعی مهمی به این تحول بخشید.

این پژوهش به بررسی و تحلیل مهمترین چالش‌ها و آسیب‌های جریان اصلاح طلب از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ پرداخته و با رویکردی انتقادی و آسیب‌شناسانه، مهمترین ناکارآمدی‌های آن را در راه

رسیدن به اهداف، مورد تأمل و تفکر قرار داده است. در واقع، این رساله، به رغم بررسی اندیشه‌ی اصلاحات ۱۳۷۶ و محورهای کلیدی آن که از مسائل ضروری در روند پژوهش است، به نقد اندیشه‌ی و بررسی چالش‌های اصلاح طلبان در حوزه‌ی اندیشه و تفکر پرداخته است و جهت‌گیری آن به سمت نقد عملکرد راهبردی اصلاح طلبان در رسیدن به اهدافشان می‌باشد، نه بررسی ناکارآمدی‌های گفتمان اصلاحات؛ چنانکه این عملکرد، سبب ناکامی اصلاح طلبان در دستیابی نسبی به خواسته‌ها و شعارهایشان و در نهایت، خروج آنان از دایره‌ی قدرت سیاسی شد.

بخش نخست

کلیات، مبانی نظری و

پیشینه‌ی تاریخی

فصل نخست

کلیات

انجام هر پژوهش علمی، نیازمند تدوین و تهیه ی ساختار منسجم و منظمی است که به مشاهدات، مطالعات و کنجکاویهای پژوهشگر و نیز اهداف و روند پژوهش سامان می بخشد. در این فصل، که پس از اندیشیدن و مطالعات مقدماتی، سرآغاز نگارش و شکل گیری پژوهش است، به طرح مسأله و بیان پرسش ها، فرضیات، اهداف و به طور کلی ویژگی ها و ساختار پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱-۱- بیان مسئله

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ خورشیدی، بزنگاهی برای طرح سخنان، شعارها و اهدافی متفاوت از تفکر و رویه ی حاکم بر عرصه ی سیاسی آن روز ایران شد. در واقع، تحولات فکری و تشکیلاتی برخی گروهها، سازمان ها و افراد در طی چند سال، منجر به شکل گیری جریانی سیاسی و گروهی از نخبگان شد که در انتخابات مذکور، سید محمد خاتمی را به عنوان کاندیدای خود معرفی کردند. پیروزی چشمگیر و غیر قابل پیش بینی خاتمی و ریاست جمهوری وی، دوم خرداد ۱۳۷۶ را به نقطه ی عطفی در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرد. نکته ی بسیار حائز اهمیت درباره ی این مسأله، تحولاتی بود که در عرصه ی اجتماعی ایران پدید آمده و در جریان بود. تحولات اجتماعی در ایران در پایان دهه ی دوم پس از انقلاب اسلامی که با رشد فزاینده ی جمعیت جوان، افزایش شمار تحصیلکردگان و سطح تحصیلات و نیز تحولات جهانی به لحاظ فرهنگی، تکنولوژیکی و بویژه ارتباطاتی و رسانه ای همراه بود، سبب شکل گیری خواستها و انتظارات برآورده نشده ای در جامعه شده بود؛ این مسأله به حمایت گسترده ی جامعه ی ایران از تحول و تغییر و نیز مشارکت قابل توجه آنها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶، منجر شد. دولت هفتم، با شعار گام نهادن در مسیر توسعه ی سیاسی و نیز با تأکید بر روی مفاهیمی چون جامعه ی مدنی، قانونمندی، آزادی و حفظ کرامت انسانها شروع به کار کرده، تکاپوهایی انجام داد و تصمیم هایی اتخاذ نمود.

بر این اساس، دیگر بار در تاریخ ایران، اندیشه ی اصلاح طلبی توسط گروهی از نخبگان مطرح شد و جنبشی در جامعه و در پی آن جناح و جریانی به نام اصلاحات و اصلاح طلبی شکل گرفت.

چنین تحولاتی، ندایی نو در فضای سیاسی آن دوره بود؛ ندایی که طنین اصلی اش توسعه سیاسی، قانون مداری و اصلاحات بود.

حوادث رقم خورده در دوران هشت ساله ی حضور اصلاح طلبان در قدرت سیاسی، بحث درباره ی اصلاح طلبی، واکاوی و آسیب شناسی آن را مطرح می سازد. در واقع این مسأله، قابل تأمل است که جریان اصلاح طلب دوم خردادی در حیات سیاسی کوتاه مدت خویش، دچار دگرگونی بسیار سریع و قابل توجهی شد. این جریان پس از یک آغاز شگرف و پرشور، به یک دوره ی رکود و سرکوب و تشتت رسیده و دچار ناکامی شد. مسأله ی کلیدی که در این میان شکل می گیرد، تأمل در مشکلات و چالش های این جریان (اصلاح طلبان) است؛ برآستی چرا نخبگانی که به راحتی در طی سه سال با استفاده از سازوکارهای انتخاباتی و فضای موجود در جامعه ی ایران، بخش های مهمی از قدرت سیاسی کشور را در دست گرفتند، در نهایت اینچنین دچار ناکامی سیاسی، افول اجتماعی و بحران ناکارآمدی شدند؟

شناخت آسیب ها و چالش های جریان اصلاح طلب، مسأله ای است که می تواند از زوایا و نگرش های مختلف، مورد پژوهش و تحلیل و بررسی قرار گیرد، تا دلایل عدم کسب نتیجه ی مطلوب توسط این جریان، آشکار شود؛ مسأله ای (آسیب ها، چالش ها و ناکارآمدی های جریان اصلاح طلب ۱۳۷۶) که موضوع مورد مطالعه ی پژوهش حاضر است.

۱-۲- اهمیت و نوآوری پژوهش

شرایط اخیر و کنونی جامعه ی ایران و نیز تحولات صورت گرفته در بطن جامعه و ساختار قدرت (بویژه پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری ۱۳۸۸)، نقش و تأثیر نخبگان اصلاح طلب در تحولات سیاسی - اجتماعی را قابل اعتنا تر می سازد. داشتن رویکردی انتقادی و آسیب شناسانه نسبت به جریانانی که همچنان در حال دگردیسی است، در تحولات سیاسی ایران به صور مختلف و در ادوار مختلف، تأثیر گذار بوده است و مهمتر اینکه هنوز به حیات سیاسی، اندیشه ای و اجتماعی خود ادامه می دهد، از جنبه های اهمیت این موضوع است. چنین رویکردی انتقادی، لاجرم در دل خود، راهکارهایی مبتنی بر تجربه ی عینی، برای آینده دارد.